

دیگری اثبات می‌کند که شیعه معتقد است که جبرائیل اشتباهاً به پیغمبر نازل شده و مأمور بوده بعلی، نازل شود، یکی دیگر شیعه را یکدسته سیاسی دانسته که به تصور محو اسلام بوجود آمده و اظهار عقیده می‌کند که فقط صورتی بود برای اشخاصی که نظر داشتند در اسلام رخنه ایجاد و بهم اسلام پردازند. آن محقق، شیعه را مزبجی از عقائد دینی یهود و زرتشتی میدانند، دیگری وقت و همت خود را مصروف کرده که اقوال نادره و غیر معمول بهای شیعه را از کتابهای شیعه جسته و برانج همسه بکشد و نشان دهد که این است عقاید شیعه؛ مثلاً شیعه سوره هانی را جزء قرآن دانسته و میخواند که در قرآنی که نزد همه مسلمین معمول است نیست. در حالیکه این يك عقیده شاذی بیش نیست که حتی بزرگان علمای شیعه بر رد آن کتاب نوشته منتهی آن رد را نخواستند ببینند و این عقیده شاذ را بقدری بزرگ جلوه داده اند که خیلی ها تصور کرده اند قرآن شیعه غیر از قرآن سایر مسلمین است، در حالی که بحمد الله آن چیز که در تمام اسلام پیش تمام مسلمین یکی است و در آن کوچکترین فرقی نیست و اسلام و مسلمین باید باین قسمت مباهات کنند همین قرآن است، عده دیگری باب تأویل قرآن را در پیش شیعه مطرح کرده و هر عقیده سخیفی را بشیعه در این باب نسبت میدهند، جمعی دیگر قرار بر این گذاشته اند که اگر عقیده خوبی هم از شیعه شنیدند بگویند از روی تقیه گفته است مگر نه آنکه تقیه پیش شیعه باب است بدون آنکه بدانند تقیه در نزد شیعه یعنی چه؟ و جای تقیه کجاست؟ بدین ترتیب عقاید شیعه را بدترین صورتی جلوه دادند و حتی هر گونه اعمالی را هم از شیعه بر خلاف حقیقت آن و نمود کردند مثلاً همین مهر گذاشتن در نماز را که يك عمل ساده است و مبنای آن آنست که در فقه شیعه سجده بر ارض و ارضیات را جایز ندانسته اند و مقید هم نیست که بصورت مهر یا از تربت باشد معیناً این عمل را بمردم اینطور فهمانده اند که شیعه در عوض سجده بخدا بتربت علی یا تربت کربلا سجده میکند و نخواستند بدانند که شیعه بخدا سجده میکند منتهی چون مقید است که بما یصح السجود علیه سجده کند قطعه خاکی همراهِ خود بر میدارد. حال ملاحظه کنید در همین يك موضوع كوچك چه مناقشاتی در هر موقع و بالخصوص در موقع

حجج بین شیعه و سنی در میگیرد در حالی که يك موضوع فتوایی ساده بیش نبوده و ابداً دلیل بر آن نیست که شیعه نظر الوهیت بائمۀ خود داشته باشد. و حتی بقدری ساده است که اگر هر فرد برای خود در موقع حج و غیره بعنوان سجاده بطوریکه نزداهل سنت هم معمول است - یکقطعه حصیر بردارد هم روی آن نماز خوانده و هم بدان سجده کند نه مخالف مذهب خود کرده و در عین حال هم ثابت نموده که حتماً مقید بتسربت خاصی نیست و سجده او هم بخدا است و بس.

آقایان، تمامی این عقاید و صدها نظیر آن چرا در افکار مردم نسبت بشیعه پیدا شده. فقط برای آنکه تبلیغات مؤثری بر علیه شیعه بکار رفته است، و اخیراً خلفای آل عثمان هم که تنها شیعه و کشور شیعه را خارج از اذعان بحکومت و خلافت خود میدیدند بقدر کافی در قلمرو خود که بااستثناء ایران تمام عالم اسلام و حتی قسمتی از اروپا بود تبلیغات سوء بر علیه این طائفه نموده و میخواستند باتباع خود بپهمانند که اگر این طائفه بماسذعن نیست برای آنست که اصولاً مسلمان نبوده و در اصول با مسلمانان اختلاف دارد حالا که خود آنها منقرض شده و رفتند متاسفانه آن افکار و تبلیغات بطوری راسخ بوده که بر جای خود استوار مانده است و دستهای سیاسی و منافع شخصی بعضی اشخاص هم کمک بقای این وضعیت میکردند، و البته انکار نمیکنم که بقاعده طبیعی از این بد بینی ها يك عکس العمل شدیدی را هم در شیعه نسبت بسنی سراغ میکنیم، و افراطی بودن بعضی از آنان هم قابل انکار نیست و بعضی از تألیفات آنها هم که از کتب معتبره نزد خود شیعه و علمایشان بشمار نمیرود، و حقاً عفت قلم را از دست داده، آنرا هم میدانیم، اثرات آنرا هم که فقط بر انگیزختن اهل سنت بود بر علیه ما و صدمه رساندن بشیعه بود در اقطار اسلام در مقابل تألیف هر کتاب چیزی است که از نظر علماء شیعه دور نمانده است. و علاوه بر اینها شاید دستهایی هم در شیعه بظواهر کردن باین بد بینی ها کمک میکردند، و البته سیاست ییکانه هم همیشه از آب گل آلود و تفرقه نتیجه گرفته است، چه بهتر از آنکه در دینی که از عظمت و نفوذ آن خائف هستند تفرقه و دویمت ایجاد شود، تا آنان از این ناحیه در امان بوده، و خیالات استعماری را در ظل تفرقه اجراء دارند،

در هر حال هر چند یکبار درخت این اختلاف بارور گشته و میوه تلخی را از آن چیده‌ایم، که امیداست با تشکیل این هیئت جز درخت اتفاق نروید و جز نمره شیرین بدست مسلمین نرسد.

آقایان - معرفی شدن، اصل هر رفع اختلاف است اینجانب هیچ توقع ندارم قبل از آنکه این سوء تفاهات بوسیله معرفی شدن عقائدمان از اذهان رفع شود بصرف گرم گرفتن با یکدیگر یا دوستی‌های رسمانه، و یاروابط دیپلوماسی دول اسلامی بتوانیم به نتیجه حقیقی که عبارت از دوستی واقعی و امن و امان معنوی باشد نائل آییم و این کاری است بسیار مهم، و وظیفه رجال دین است که بحمدالله شما از بزرگان آنها هستید، این کار وظیفه اشخاص با نفوذ و اهمیت در عالم تسنن است که لله الحمد این موقعیت را دارا هستید، این کار وظیفه رجال دور از تعصب و بصیر بحالات دنیای کنونی و علاقمند بعظمت اسلام است. که هر يك فرد کاملی در این قسمت میباشد. آقایان، بیائید اقدام کنید و اینکار را اولین اقدام خود قرار دهید که این طائفه را در عالم اسلام معرفی نماید تا در نتیجه این افکار سوء رخت بر بندد و ۷۰ الی ۸۰ میلیون مسلمان بصفوف برادران نشان ضمیمه گردند و حقیقتاً اسلام مصداق امت واحدی شود، و در عین حال باستحضارتان میرسانم که برای معرفی شیعه از ماخذ خود شیعه که بحمدالله بسیار و اغلب هم مطبوع و عربی است استفاده میتوانید کرد، شیعه طائفه‌ای نیست که بر اسرار قرار گرفته باشد، یا دعوت باطنی داشته باشد، عقاید آنها مفصلاً با ذکر ادله در کتابهایشان وارد، و امیداست قریباً مؤلفات علمای شیعه بدار - التقرب برسند و کتابخانه‌ای در این قلب عالم اسلام. در این مرکز که کتب تمامی مذاهب و طوائف اسلامی در کتابخانه آن جمع خواهد شد، از آثار آن عده‌ای که علمای اسلام در تشیع بوده و هنوز در اکثریت اسلام کسی را بدانها اطلاعی نیست. داشته باشیم، تا هر کس بخواهد چیزی را راجع بشیعه بنویسد یا عقائد آنها را بداند از بد خواهان نگیرد و علاوه راهی را برای متبیین در مذاهب اسلامی باز کنیم. و شاید روزی برسد که دار التقرب خود آثاری از آنان طبع و در دسترس گذارد. آقایان - معنای رفع اختلاف آن نیست که هر يك از طرفین از دیگری متوقع

باشد که دست از عقاید خود برداشته و بصف دیگری ملحق شود، خیر شیعه شیعه خواهد ماند و سنی هم سنی، منتهی هر يك از شیعه و سنی آنطوری بیکدیگر نگاه کنند که دو برادر دینی باید بیکدیگر نگاه کنند، بدانند که هر دو امت يك پیغمبر و عامل بيك کتاب و قائل بيك توحيد هستند و قبله همه آنها هم یکی است.

و خلاصه اگر اصول و عقاید بیکدیگر را شناختند خواهند فهمید که این دو امت لطمه بوحدهت دینی آنها نخواهد زد، و همیتدر برای ایجاد تقرب کافی و بزرگترین قدم است.

آقایان، در این کار افکار شیعه باشما همراه و از هر طبقه بالخصوص طبقات دانشمند و بالاخص از طرف علمای دینی تأیید خواهد شد - چنانکه نامه‌های علماء بزرگترین گواه آنست - و نیز نشریات دینی و مجلات علمی و جرائد سهم بزرگی را در اینکار خواهند داشت و قریباً خدمات آنها را از نظر خواهید گذراند.

در هر حال دارالتقريب حلقه اتصال بين مذاهب اسلامي خواهد بود که افکار رجال مصلح در تمامی عالم اسلامي بدین مرکز خواهد رسید (انشاء الله)

خدایا آرزو داریم، در سایه جمع شدن همه دور کلمه اسلام، اسلام یعنی آن دین عظمت، آن دین خلوص آن دین بی آرایش و برتر از همه آن دین خدا عظمت خود را بدست آورده و بمعنای حقیقی دین بر مسلمین حکومت کند تا این نغمه بیدینی که نکبت آورترین چیزی است که بشر بدان مبتلا شده از بین مارخت بر بندد.

خدایا تو خود میدانی که در اینکار رضای تو است، و تأیید تو کمک است و بس «فانصرنا انک قریب مجیب».

نامه

بنجف اشرف و قریب به تمام علماء مسلمین

بمناسبت اربعین وفات پيشوای بزرگ شیعه، جماعة التقريب بين المذاهب الاسلاميه که برای ایجاد نزدیکی و رفع سوء تفاهات بوجود آمده است شرحی دائر بر همدردی بنجف اشرف، فرستاده و شرکت خود را در این سوگواری شیعه اعلام داشت. قطع نظر از موقعیت نیکوی این عمل - بلحاظ وحدت معنوی و تقرب عملی